

خبر

جانشین پروری حلقه مفقود مدیریت پیر در اقتصاد

● **آتا؛** رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت تهران گفت: پیش‌کشوتان بخش خصوصی باید مانند یک ارتش قوی و مستحکم در مواقع ضروری به پشتوانه جوانانی که در عرصه مدیریت اقتصادی گام برداشته‌اند، بایستند و از تجربیات خود به جوانان منتقل کنند، اما هیچ‌گاه برای سکان‌داری مجدد، وارد عرصه میدان اقتصادی نشوند.محمدرضا مرتضوی، رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت تهران، در تودیع و معارفه رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران با اشاره به اینکه جوانان باید پشتکار خود را در مدیریت به رخ مدیران ارگرافتاده بکشند، گفت: در ابتدای راه‌اندازی این خانه، بنده از جمله مخالفان تاسیس این انجمن جوان بودم، اما با خلایق، توانایی و پشتکاری که جوانان این خانه در ۱۵ سال گذشته از خود نشان دادند، امروز معتقدم مراحل پیشرفت دور از دسترس این جوانان نیست.رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت تهران، درباره مشکلات بر سر راه جوانان نیز افزود: احتمال اینکه پس از انتصاب رئیس جدید، عده‌ای درخصوص کندکردن یا مانع‌تراشیدن در مسیر این گروه جوان اقداماتی را انجام دهند، وجود دارد اما باید تأکید کرد ـ با برنامه‌ریزی مدون و دقیق، هیچ سنگی نمی‌تواند مانع‌کنشدن هر مسیر پیشرفتی شود.مرتضوی، پیش‌کشوتان عرصه بخش خصوصی را مانند ارتش یک کشور برای جوانان تلقی کرده و گفت: جوانان و نحوه مدیریت آنها نوبدبیشتر باید روشنی در اقتصاد است‌بنابراین با حمایت قدیمی‌های بخش خصوصی حتی ۶۰ درصد از صندلی‌های خانه صنعت، معدن و تجارت تهران باید در اختیار این قشر قرار گیرد تا بنیه مدیریتی آنها تقویت شود. سیدعلی صدری، رئیس سابق خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران، نیز در این مراسم گفت: با وجود تمامی مخالفت‌های موجود مبنی بر عدم واگذاری این پست ۱۵ساله، نیاز به ورود تفکر مدیریتی جوان که بتواند بار دیگر خون در رگ‌های خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران را تسریع ببخشد، احساس شد و در شرایطی که جوانان این انجمن، فضای مدیریتی را تجربه کرده بودند، تصمیم بر تغییر مدیری بهترین عملکرد در شرایط فعلی بود. آرمان خالقی، قائم‌مقام خانه صنعت، معدن و تجارت تهران، نیز درباره اینکه مدیریت اقتصادی کشور با به سن گذاشته است، تأکید کرد: اجازه ورود نیروهای تازه‌نفس و جوان به عرصه مدیریت اقتصادی معمولاً از سوی مدیران پیر و فرسوده داده نمی‌شود اما جوانان با پیشرفت خود باید اهداف واقعی را دنبال کنند و از حاشیه‌های این چنینی دلسرد نشوند. همچنین دادرس، دیگر عضو هیئت امای خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران، گفت: در ابتدای تشکیل شکل خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران، اغلب شکل‌های موجود در کشور وضعیت جدید و نوپایی را تجربه می‌کردند اما جسارت و نحوه مدیریت بر آن، توانست پیکان هدف روبه جلوی خود را به‌خوبی حفظ کند. وی تأکید کرد: ارائه طرح‌های ملی در کارنامه خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران وجود دارد که این امر نشانگر پتانسیل بالای جوانان نواندیش و مدیران آینده این حوزه بوده‌بنابراین با اتخاذ استراتژی صحیح گام‌های آینده اقتصادی از آن جوانان است. رضا امیدوارتجربیشی، رئیس جدید خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران، گفت: جوانان تحصیل‌کرده امروز گرفتار حلقه مفقود جانشین‌پروری از سوی طبقات مختلف مدیریتی هستند و فضای اعتماد به جوانان بسیار کم‌رنگ است.فرو ایزی متأسفانه مدیریت‌ها امروز بر اثر بازنشستگی یا عدم رای لازم در مجمعی با تغییر روبه‌رو می‌شوند اما لازم است رشد فضای اقتصادی با حضور جوانان سخت‌کوش نسبت به گذشته در جوامع مدیریتی بیشتر شود، باید در اقدامات آینده خانه صنعت، معدن و تجارت جوانان ایران، به سمت چگونگی اعتماد به جوانان در عرصه‌های مدیریتی گام‌های روبه جلویی را برداشت.

تجارت ایران وچین ۲۰میلیارددلاری شد

● **تسنیم؛** مبادلات تجاری ایران و چین در هفتم‌ماه نخست سالار جاری میلادی با رشد ۱۶٫۸ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل به ۲۰٫۸۶ میلیارد دلار رسید. جدیدترین آمار منتشرشده از سوی گمرک چین نشان می‌دهد مبادلات تجاری ایران و چین در هفت‌ماه نخست سال جاری میلادی با افزایش ۲۶٫۸ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل مواجه شده است. مبادلات تجاری ایران و چین که در زائویه تا جولای ۲۰۱۶ بالغ بر ۱۶٫۴ میلیارد دلار اعلام شده بود، در زائویه تا جولای سال جاری به ۲۰٫۸۶ میلیارد دلار افزایش یافته است. صادرات چین به ایران و واردات از ایران در این دوره افزایش قابل‌توجهی داشته است. صادرات چین به ایران در زائویه تا جولای ۲۰۱۷ با افزایش ۲۱٫۲ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل مواجه شده و به ۱۰٫۴۳ میلیارد دلار رسیده است. چین در زائویه تا جولای سال ۲۰۱۶ بالغ بر ۸٫۶ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرده بود.واردات چین از ایران نیز برابر با صادرات این کشور به ایران بوده است. چین در زائویه تا جولای ۲۰۱۶ بالغ بر ۷٫۸ میلیارد دلار کالا از ایران وارد کرده بود که این رقم با افزایش ۳۳٫۹ درصدی در زائویه تا جولای امسال به ۱۰٫۴۳ میلیارد دلار رسیده است. نفت کالای عمده وارداتی چین از ایران است.

سعید ابوالقاسمی؛ تضادهای سیاست‌گذاری در اقتصاد پس از انقلاب، مهم‌ترین بخش از صحبت‌های سیدعبدالحسین ساسان، اقتصاددان بود که در شصت‌وسومین نشست علمی و دینی گوهر معرفت با موضوع اقتصاد ایران در گذار مطرح شد. ساسان که پسر مرحوم آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری‌اصفهانی، امام‌جمعه فقید اصفهان است، از همان ابتدای شکل‌گیری انقلاب در جریان مباحث روز اقتصاد ایران قرار داشته و نوسان‌های اقتصادی کشورمان را به چشم دیده است. او اعتقاد دارد نظام جمهوری اسلامی ایران به همان اندازه‌ای که آزادی‌های سیاسی و فرهنگی را ترویج کرد، اقتصاد نازاد را سرلوحه فعالیت‌ها قرار داد و همین عامل سبب شد زیرساخت‌های جامعه به‌خوبی شکل نگیرد و در مقطعی فسادهای اقتصادی، بی‌کاری، فقر و فاصله طبقاتی به بیشترین سطح خود برسد. این اقتصاددان که سابقه ریاست دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان را نیز در کارنامه دارد، تأکید می‌کند در سریع‌ترین زمان ممکن باید تکلیف خود را از آزادبودن یا نبودن اقتصاد روشن کنیم تا بتوانیم از دوران گذار عبور کرده و به اقتصاد پایدار دست یابیم. مهم‌ترین قسمت صحبت‌های عبدالحسین ساسان را در ادامه بخوانید.

انقلابی خارج از قواعد مرسوم

انقلاب اسلامی ایران در قرن بیستم پیروز شد. اگر به این نکته توجه نکنیم، نمی‌توانیم مباحث اقتصادی را درست مطرح کنیم. قرن بیستم، قرن تسلط افکار سوسیالیستی و حتی افکار مارکسیستی و کمونیستی است. سال ۱۹۱۷ انقلاب اکتبر رخ داد. انقلاب اکتبر از زمینه، مانیفست و کتاب راهنما برخوردار بود که در قرن ۱۹ توسط یک اقتصاددان بسیار پرکار و نابغه (نابغه) می‌تواند در بُعد مثبت و منفی باشد)، به اسم کارل مارکس نوشته شد. انقلاب مارکس یا انقلاب مارکسیسم؛ لنینیست‌ها در شوروی سابق، در اعتراض به کاپیتالیسم یا سرمایه‌داری رخ داد. اگر بخواهیم به زبان کاملاً غیراقتصادی اصطلاح‌های سوسیالیسم و کاپیتالیسم را معنی کنیم، باید بگوییم کاپیتالیسم یا سرمایه‌داری یعنی آزادی. البته میزان آزادی شدت و ضعف دارد، اما به‌عنوان محور قرار گرفته است. بعضی از اقتصاددانان کاپیتالیسم، دخالت دولت در اقتصاد را تا حدی لازم، جایز و حتی واجب می‌دانستند. آنها قصد نداشتند آزادی کسی محدود شود. قبل از آن، گروه‌های زیادی درگیر این مسئله بودند که کلمه دولت، نفی آزادی است؛ به اینها آثارشیست می‌گفتند، چرا آثارشیت‌ها یا هرج‌ومرج‌طلب‌ها، ضد دولت هستند و اعتقاد دارند نباید دولت وجود داشته باشد؛ بزرگ‌ترین استدلال آنها این است که اگر دولت باشد، اول از همه آزادی اقتصادی از مردم سلب می‌شود، چون دولت خرج دارد و وقتی می‌خواهد خرج خود را تأمین کند، باید از مردم به زور پول بگیرد. وقتی می‌خواهد مالیات بگیرد، یعنی آزادی مالکیت در جامعه از بین رفته است. بنابراین اگر بخواهیم بگوییم کاپیتالیسیم یا سرمایه‌داری چیست، بدون تردید نزدیک‌ترین واژه‌ای که برای آن پیدا می‌کنیم، آزادی است.

در مقابل، اگر بخواهیم سوسیالیسم را معنی کنیم، باید معانی لغوی و ماهیتی را بررسی کنیم. سوسیالیسم در لغت یعنی جامعه‌گرا اما به‌حافظ محتوایی یعنی نازادی؛ چرا نـآزادی؟ مگر آزادی چیز بدی است؟ دلیل این است که آزادی باعث ایجاد برخی اختلاف‌ها می‌شود. درست است که من و شما هر دو آزاد هستیم، اما هنگامی‌که آزادی داده می‌شود، یک جوان تازه‌نفس تیزتک تپدیا، با سرعت زیادی می‌دود. در مقابل یک انسان سالخورده توانایی دیدن ندارد. دقیقاً همین موضوع در اقتصاد وجود دارد. وقتی در اقتصاد می‌گویند آزادی، باعث می‌شود یک عده با تمسک به آزادی به‌سرعت ثروتمند شوند؛ ولی توانایی و استعداد آن را ندارند. بنابراین دلیل انزجار سوسیالیست‌های قرن بیستم از سرمایه‌داری و کاپیتالیسم آزادی این بود که می‌گفتند آزادی منجر به بی‌عدالتی و نابرابری می‌شود. به اعتقاد آنها، تمام مفاسدی که در جامعه می‌بینیم، از آزادی و به‌خصوص از آزادی اقتصادی است. بر این اساس در ۱۹۱۷ سوسیالیسم در شوروی پیروز شد؛ بلافاصله پس از آن، تفکر سوسیالیستی در چین هم پیروز شد؛ سپس انقلاب‌ها یا تغییرات سوسیالیستی در کوبا، کره، ویتنام و در آمریکای لاتین هم به پیروزی رسیدند. گفتمان انقلاب اسلامی ما هم در عصر سوسیالیسم مطرح شد. این در شرایطی بود که در اواخر قرن نوزدهم و در تمام قرن بیستم هیچ انقلابی ظاهر نشد که با مارکسیست؛ لنینیست‌ها دوآتشه نباشد یا سوسیالیستی، اما انقلاب ما در عصر کاملاً نازادی پیروز شد که یک اتفاق کاملاً استثنایی به شمار می‌رود، چراکه مدعای دیگری داشت و دلیل وقوع آن، اصلاً سوسیالیسم نبود.

چرخش به سمت سوسیالیسم

امروز منتقدان به حق یا ناحق می‌گویند قانون اساسی ما ملهم از سوسیالیسم بود و رفتارهای بعد از انقلاب سوسیالیستی بود. آنها تأکید می‌کنند که قانون اساسی به‌صراحت می‌گفت تجارت خارجی، صنایع بزرگ، خدمات و همه اینها باید به دولت اختصاص یابد؛ یعنی نظام اقتصادی سوسیالیسم در قانون اساسی ما منعکس بود. اکنون یک پرسش اساسی ایجاد می‌شود: آیا اسلام هم جنبه‌های

اقتصاد

ساسان در نشست تخصصی اقتصاد ایران در گذار انتقاد کرد

ابهام ۴۰ ساله در آزادی اقتصادی



نازادی در قانون اساسی را تأیید می‌کرد؟ در این زمینه هم نظریه‌ای وجود دارد. از بدو انقلاب یا حتی پیش از پیروزی انقلاب، بین فقها و مجتهدان اختلاف جدی پیش آمد. برخی از علمای اعلام و مراجع عظام، نظام اقتصادی را کاملاً آزاد می‌دیدند. آنها حتی نسبت به مالیات‌هایی که دولت می‌گرفت به‌شدت اشکال وارد می‌کردند؛ یعنی مثل پیش از انقلاب به مقلدین خود توصیه می‌کردند دفاتر دوگانه داشته باشند؛ یک دفتر واقعی و یک دفتر غیرواقعی، چون می‌خواستند دفاتر دوری تنظیم شوند که به دولت مالیات ندهند. قبل از انقلاب می‌گفتند مالیات ندهید، چون اعانه ظالم است؛ اما بعد از انقلاب هم بعضی از علما به‌صراحت می‌گفتند مالیات ندهید؛ حرام است. دلیل این بود که می‌گفتند یک مسلمان وجوهات شرعی‌ه، مثل خمس و زکات می‌دهد و مالیات‌های اسلامی همین هستند و نباید پول اضافه‌تری پرداخت کرد. این در حالی بود که بلافاصله پس از انقلاب، جنگ اتفاق افتاد. هزینه‌های دولت‌ها در زمان جنگ بالا می‌رود. در آن شرایط بود که تأکید شد مرز مالیات‌ها باید از بین برود تا نیاز دولت برطرف شود.

تضادهای نظام اقتصادی و سیاسی ایران

در چنین زمانی به‌تدریج نظام اقتصادی اسلامی شروع به شکل‌گیری کرد. اگر بخواهیم به استناد قانون اساسی بررسی کنیم، نظام سوسیالیستی انتخاب شده بود، اما فراموش نکنیم ما در دوران گذار دچار تضاد جدی بودیم. سوسیالیسم انتخابات آزاد را قبول ندارد. سوسیالیسم دچار تضاد نیست و همه اجزای آن با هم می‌خوانند؛ یعنی باید یک حکومت نازاد است و با آرای حزب تعیین می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد نظام جمهوری اسلامی در دوران گذار و به‌خصوص در اوایل استقرار، با تضاد روبه‌رو بود. نظام حکومتی و سیاسی بر مبنای انتخابات آزاد شکل گرفت، اما نظام اقتصادی نازاد بود. این تضاد اساسی، کاپیتالیسم به آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی، آزادی اجتماعی و آزادی فرهنگی اعتقاد دارد. تمامی اجزای این نظام با هم هماهنگ هستند و چهار چرخ اتومبیل در یک جهت حرکت می‌کنند، اما یکی از مشکلات ما در طول انقلاب این است که چهار چرخ اتومبیل نظام ما، هم‌راستا نیستند و در یک جهت حرکت نمی‌کنند. نظام حکومتی تا حدودی آزاد بود. فتوای امام در فقه شیعه کم‌نظیر بود که گفتند «میزان، رای ملت است». ایشان بذر دموکراسی را با این موضوع تولید کردند و آن را کاشتند و نهال آن را با همین فتوا غرس کردند. در آن زمان، نظام سیاسی آزاد بود، نظام اقتصادی قطعاً نازاد انتخاب شد و نظام اجتماعی دچار نوسان بود؛ افرادی مانند مرحوم طالقانی، نظام اجتماعی اسلام را آزاد می‌دانستند. می‌گفتند هیچ روایت و حدیثی که رفتارهای اجتماعی را اجباری کند، وجود ندارد. به اعتقاد او، در دوران امامان معصوم، انمه تبلیغ می‌کردند، اما به‌هیچ‌وجه برخورد اجباری نداشتند یا به اقلیت‌های دینی این اختیار را داده بودند که با دستورات خودتان زندگی کنید. این اندیشه‌ها در اوایل انقلاب هم وجود داشت. امام خمینی (ره) و بسیاری از علما تأکید داشتند که حتی کمونیست‌ها در نظام اسلامی آزاد هستند. اکثر علمای اعلام هم این را می‌گفتند؛ یعنی همانند آزادی سیاسی، بر آزادی فرهنگی هم وقاف وجود داشت.

عوارض تضادهای اقتصادی در ایران

در دوران گذار که هنوز هم تمام نشده، نظام اقتصادی و اجتماعی ما سوسیالیستی بود؛ یعنی بسته بود و هنوز هم بسته است. هنوز هم به توافق نرسیده‌ایم که حد آزادی در مسائل اقتصادی و اجتماعی جقدر است. در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی اختلاف کمتر بود و آزادی بیشتری وجود داشت. این نـآزادی و بسته‌بودن اقتصاد برای ما عوارض بسیاری را به دنبال داشت. ثمره این تضادها این بود که کشور ما به دلیل هم‌راستابودن چرخ‌هایش، دور خودش می‌چرخد یا درجا می‌زند. اکنون وضعیت اقتصادی ما رضایت‌بخش نیست. بی‌کاری، به‌ویژه بی‌کاری جوانان و افراد تحصیل‌کرده

کار بگیریم، این است که چهار چرخ ناهمسوی جامعه را همسو کنیم، نمی‌توانیم با چهار چرخ ناهمسو از دوران گذار عبور کنیم. هرقد بیشتر ارز وارد کشور کنید، یعنی انرژی این خودرو را بیشتر کرده‌اید و به‌دلیل همسوییون چرخ‌ها، این خودرو معلق می‌زند. قبل از اینکه اتومبیل جامعه‌مان معلق بزند، باید این تضاد را در چهار چرخ برطرف کنیم.

اقتصاددان‌ها، کمی‌کار نیستند

دو مبنای فقهی از امام خمینی (ره) وجود دارد می‌شود. نهاد عبارت است از تمام عادات، رسم و رسوم و تمام روابط اجتماعی و قوانین و مقرراتی که تنش بین مردم جامعه را کاهش می‌دهد. نهاد، «تضاد منافع» میان افراد جامعه را به «اشتراک منافع» تبدیل می‌کند. پیشرفت و عقب‌ماندگی از قرن ما شروع نشده، بلکه از هبوط حضرت آدم روی زمین شروع شده؛ هرکدام از طایفه‌ها و شاخه‌ها و اقوام انسانی که توانستند زودتر نهادسازی کنند، پیشرفت بیشتری داشتند. اگر می‌خواهید اقتصاد پیشرفت کند، باید زبان خوب داشته باشید، وقتی زبان ما عقب‌افتاده باشد، اقتصاد پیشرفت نمی‌کند. روابط و حقوق بشر هم مهم است. اوایل انقلاب به تعدادی اقتصاددان متمسک شدیم و گفتیم اینها می‌توانند ما را نجات دهند. این ذهنیت وجود داشت که اقتصاددان‌ها کیمیایی دارند که مس را طلا می‌کنند، چنین کیمیایی وجود ندارد، باید تک‌تک نهادها خوب ساخته شود. چرا بسیاری از کشورهای اسلامی تا این اندازه درگیر گرفتاری هستند؟ چون نتوانسته‌اند نهادسازی کنند. یکی از این نهادها، نهاد حکومت است. چرا بیشتر کشورهای اسلامی با مشکل حکومت‌داری مواجه هستند؟ چون فقهی‌ها نظیر امام خمینی (ره) که با قاطعیت بگویند میزان رای ملت است، نداشتند. امام یک بذر بسیار کران‌بها به ما دادند، آن بذر این بود که نهاد حکومت چگونه باید باشد. ما بعد از ایشان به‌جای اینکه این بذر را دانسم پرورش دیم و آبیاری و مراقبت کنیم و از آن یک درخت تاوور سایه‌انداز بسازیم، در مقاطع مختلف شاخ و برگ این نهال را زده‌ایم. نظام انتخابات برگزار کرده، مردم اقداری را که نمی‌خواسته‌اند، حذف کرده‌اند و منتخبان شورای شهر فردی را به‌عنوان شهردار انتخاب کرده‌اند. فرد انتخاب‌شده باید از همان لحظه انتخاب کارش را شروع کند. ولی باید برود و از یک وزارتخانه تأییدیه بگیرد. مگر ملاک، رای مردم نیست؟ پس چرا باید از یک وزارتخانه تأییدیه بگیرد؟ ما ناسیاسی کرده‌ایم و اجازه نداده‌ایم بذر دموکراسی که حضرت امام(ره) کاشته‌اند رشد کنند. باید دموکراسی پیش برود تا اقتصاد هم پیش برود. باید روابط اجتماعی اصلاح شود و آزادی‌های فرهنگی ایجاد شود تا اقتصاد پیش برود. نمی‌توانیم فرهنگ را نـآزاد کنیم و بعد بگوییم بی‌کاری داریم. بی‌کاری با نازادی ایجاد می‌شود. مدارس ما باید رقابتی ایجاد کنند که بازار کار برای فارغ‌التحصیل وجود داشته باشد. در اینجا لازم است درجه نازادی در آموزش‌وپرورش و فرهنگ را کاهش دهیم و از درجه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بیفزاییم. پس موضوع اقتصاد بدون سایر مقولات اجتماعی را باید برای همیشه فراموش کنیم. تا زمانی که روابط من با افراد مختلف و روابط کارفرما و کارگر خوب نشود، اقتصاد همین است. تا تکلیف آزادی را معلوم نکنیم باقی‌بماند، نظام اجتماعی چیست، نمی‌توانیم دوران گذار را پشت‌سر بگذاریم. امام خمینی (ره) یک نهاد دیگر هم ایجاد کردند که بعد از رحلت ایشان بسیار کم‌رنگ شد، ولی فوق‌العاده اهمیت داشت. این نهاد که در راستای نهاد اول بود، نهاد احکام ثانویه نام داشت و یک پدیده عجیب به شمار می‌رفت. در مسائل مستحدثه، با امام خمینی (ره) باید فتوا می‌دادند یا به علمای دیگر واگذار می‌کردند؛ بنابراین گفتند این مسائل، اختیاراتش با مجلس شورای اسلامی است. هر حکمی که بدهد، حکم ثانویه است که فقیه بسطی‌الید می‌دهد. هر تصویبی که مجلس می‌نهد، مجلسی که بر مبنای میزان رای ملت است انتخاب شده، باید اجرا شود. ایشان در جزئیات اقتصادی دخالت نمی‌کردند و مسائل به مجلس تفویض شد، چرا؟ به‌دلیل یک حکمت کاملاً عقلانی؛ مسائل در صدر اسلام به قدری ساده بود که یک فرد و یک فقیه می‌توانست به همه مسائل احاطه داشته باشد. اکنون مسائل به‌قدری پیچیده است که تمام اقتصاددانان نمی‌توانند به این مسائل احاطه داشته باشند. گسترش جامعه و گسترش مسائل باعث شده یک اقتصاددان نتواند همه مسائل را بداند و حل کند. هیچ راهی عقلاانه‌تر و خردمندانه‌تر از راهی که رهبر فقید انقلاب برگزیدند نیست و آن نهاد مجلس است که بر آرای مردم تکیه دارد. این دو میراث بزرگ حضرت امام(ره) برای اقتصاد ما بسیار ارزنده است و باید بار دیگر گفتسمان ما براساس این دو میراث شکل بگیرد و به نفع عقلانیت رای دهیم. اگر می‌خواهیم بی‌کاران کمتر شوند، اگر می‌خواهیم اوضاع اقتصادی سامان داده شود و اگر می‌خواهیم فسادهایی که در جامعه وجود دارد کمتر شود، راهی به‌جز عقلانیت نداریم. نخستین زمینه و بستری که باید عقلانیت را در آن به

گذر

جزئیات ۱/۵میلیاردیوروقرارداد ایران با ترکیش ودانمارک

● **شادا؛** معاون وزیر اقتصاد جزئیات قرارداد مالی یک‌میلیاردی با ترکیش و ۵۰۰میلیون‌یورویی با دانمارک را تشریح کرد. محمد خزاعی، معاون وزیر اقتصاد و رئیس سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران که در رأس هیئتی برای مذاکره و نهایی‌کردن قرارداد‌های اعتباری با ترکیش و دانمارک به وین سفر کرده است، با مقامات مختلف اقتصادی آن کشور، شامل وزیر دارایی، رئیس کل بانک مرکزی و رئیس کنترل بانک اتریش (OKB) دیدار و ملاقات کرد. در این دیدارها که از سوی سفارت کشورمان در اتریش هماهنگ شده بود، عراقچی، معاونت ارزی بانک مرکزی و سفیر کشورمان، نیز حضور داشته و درباره راهکارهای گسترش روابط مالی، بانکی و سرمایه‌گذاری بین دو کشور گفت‌وگو و مذاکره شد. وزیر دارایی اتریش ضمن استقبال از حضور معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی کشورمان در اتریش و امضای قرارداد مالی یک‌میلیاردیورویی با اوبربانک، از اینکه اولین قرارداد با این سطح در اروپا، با اتریش نهایی و امضا می‌شود، اظهار خوش‌وقتی کرد و آن را عاملی برای توسعه روابط فنی و اقتصادی و بانکی بین دو کشور دانست. رئیس کل بانک مرکزی اتریش هم در ملاقات با محمد خزاعی، ضمن رو به پیشرفت دانست‌ر روابط بانکی بین دو کشور آمادگی خود را برای ارتقای همکاری با بانک مرکزی کشورمان اعلام کرد. در این ملاقات عراقچی نیز ضمن اشاره به ملاقات‌های خود با برخی بانک‌های مهم اتریشی و افتتاح حساب نزد آنها، آمادگی بانک مرکزی برای اقدامات بیشتر را اعلام کرد. معاون وزیر اقتصاد کشورمان، در ملاقات با رئیس کنترل‌بانک اتریش و معاون وی، تبلیغات و تهدیدات سیخیف مقامات آمریکا و هم‌پیمانانشان را در روند رو به گسترش همکاری‌های اقتصادی و سیاسی کشورمان با نقاط مختلف جهان، بی‌اثر دانسته و با اشاره به توافقات اخیر با کشورهای بزرگ آسیایی و اروپایی، آن را نشانه عزم جدی ایران بر گسترش تعاملات بین‌المللی دانست. در این دیدار نیز عراقچی، با توضیح سطح همکاری‌های بین بانکی دو کشور، نوع روابط را رو به جلو دانست و خواستار همکاری‌های بیشتر بین دو کشور در این زمینه شد. براین اساس علاوه بر امضای قرارداد یک‌میلیاردیورویی با اوبربانک اتریش، در این سفر با تلاش و همکاری خوب بانک مرکزی و سازمان سرمایه‌گذاری که منجر به نهایی‌شدن مذاکرات متون قرارداد مالی با دانسکه بانک دانمارک شده، قراردادی به مبلغ اولیه ۵۰۰ میلیون یورو با عاملیت ۱۰ بانک ایرانی امضا شد.

ادامه از صفحه ۵

آموزش دبستانی و توسعه کشاورزی
دلیل ضرورت ارائه آموزش کشاورزی در دوره دبستان را می‌توان در شش محور خلاصه کرد:
۱) دسترسی افراد جامعه به منابع علمی از طریق ماهواره، اینترنت و... آسان شده و دانش‌آموزان از اطلاعات علمی نسبتاً خوبی برخوردارند، ولی از تجربه کافی برای عملی‌کردن دانسته‌های خود برخوردار نیستند، بنابراین در دوره دبستان می‌توان امکان تجربه‌اندوزی را برای آزمون این تجرب فراهم کرد.
۲) دانش‌آموزان را با فرصت‌های شغلی مواجه کرد، که این امر آنان را نسبت به انتخاب و تصمیم‌گیری آینده شغلی خود باری می‌کند.۳) هدایت بخش کشاورزی باید به‌دست کسانی باشد که آموزش‌های لازم را از پایین‌ترین سطح شروع کرده‌اند. تجربه «هدایت» و آموزش‌های «پرورش مدیر» در سطح دبستان بسیار مؤثرتر است ۴) تربیت دانش‌آموزان برای سازگاری با دنیای درحال‌تغییر، مورد تأکید است. بنابراین آموزش کشاورزی در دبستان می‌تواند فرصتی برای یادگیری دانش‌آموزان دبستانی باشد. ۵) آموزش و ایجاد انگیزه برای رشد و تکامل، همراه با راهکارهای «حل مسئله» در آموزش کشاورزی توان اندیشیدن، مسئله‌یابی و مشکل‌گشایی دانش‌آموز را ارتقا می‌دهد. (Townsend,1۹۹۰)۶) با توجه به بحران‌های مختلف موجود و پیش‌روی توسعه پایدار بخش کشاورزی، ضرورت دارد که کودکان با مشکلات بخش آغشنا شده تا در رفتارهای آنان نسبت به حفظ و صیانت از منابع طبیعی و محیط زیست و جلوگیری از هدررفت محصولات غذایی تغییراتی حاصل شود. مطالعات انجام‌شده در جهان نشان می‌دهد که آموزش کشاورزی در دبستان توانسته است تأثیر مثبتی بر توسعه پایدار بخش کشاورزی داشته باشد. کاسلین(۲۰۱۱) در تحقیق خود اشاره کرده است که اکثر معلمان برنامه‌های مزمره در مدرسه را مؤثر بر اقتصاد محلی و محیط زیست دانسته که اثرات مثبتی را به‌دنبال داشته است. طبق نتایج این تحقیق برنامه مزمره در مدرسه باعث شده که آموزش کودکان درباره تغذیه سالم و غذای سالم افزایش یافته، آموزش کشیک گیاهان و تولید مواد غذایی را به کودکان آموخته و ارتباط قوی میان جامعه محلی، مدارس و کشاورزان برقرار کرد. تجارت جهانی دراین‌باره نشان می‌دهد که پرداختن به موضوع آموزش کشاورزی در مدارس می‌تواند یکی از راهکارهای توسعه پایدار کشاورزی با فرهنگ‌سازی رفتار انسان توسعه‌یافته دوستدار طبیعت از همان زمان کودکی باشد.